

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۴ می ۲۰۲۲



یونس نگاه

خطای ستراتیژیک قومگرایان پشتون

وارد شدن قومگرایان پشتون از زاویه روستائی به قدرت و اتکای بخشی از تحصیلکردگان به ارزش‌های قرون وسطائی به‌عنوان تکیه‌گاه مبارزه با نفوذ فارسی‌زبان‌ها، خطای ستراتیژیک است. این کار به عکس باعث تأخیر پیشرفت در جامعه پشتون و فاصله بین حکومت (حتی اگر حکومت خالص پشتون باشد) با کتله اصلی ملت پشتون می‌گردد.

وقتی طالبان به کابل برگشتند، گروهی از شاعران و فرهنگیان پشتون مشاعره‌ای را در تلویزیون با عنوان "چینه" (چشمه) برگزار کردند و سراسر از سنت‌های روستائی، قومگرائی فیودالی و ارزش‌های غیرشهری تمجید نمودند. همه آنان تحصیل‌کرده و درس‌خوانده بودند. این خطای ستراتیژیک است.

در زمان نادرخان اتفاق مشابهی رخ داده بود. نادر و برادرانش همراه با گروهی از تحصیل‌یافتگان قومگرا برای ساختن حکومت قومی با محافظه‌کاران و خان‌ها اتحاد کرده علیه تحول ایستادند. درین راه به دلیل آن‌که اداره و شهرنشینی با فارسی عجین شده بود، به حذف فارسی‌زبانان از ادارات و فارسی از رسمیات اداری کمر بستند. اما آن جبهه‌گیری غلط و ایستادن در برابر تحول انرژی خودشان و فرصت مردم را به هدر برد. آنان اگر مردم خود را هوشیارانه و با دوراندیشی دوست می‌داشتند باید در مناطق پشتون‌نشین مکتب بیشتر می‌ساختند، سرک آباد می‌کردند، مردم را به شهرنشینی تشویق می‌کردند، به آموزش زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی ترغیب می‌نمودند تا منابع موجود درین زبان‌ها باعث تحول فکری می‌گردید و در نتیجه پروژه قومی و زبانی‌شان با ابزار مدرن هم جامعه پشتون را چند قدم به پیش می‌راند و هم واکنش شدید در میان اقوام دیگر خلق نمی‌کرد. آنان به عکس در جبهه ملای لنگ نشستند، از چشمه و شتر قصه گفتند، علیه مکتب و آزادی ایستادند. وقتی خوب خسته شدند و در برابر سیل تحول قد خم کردند، زبان پشتو و جامعه پشتون منزوی‌تر شده بود، تا جایی که فرزندان همان نادرخان و هم‌پروژه‌های‌هایش همه فارسی زبان شدند. یک قشر پشتون‌های حاکم به وجود آمد که از جامعه پشتون رانده شده بودند و جامعه غیرپشتون نیز به آنان اعتماد نداشتند.

آن گروه منزوی، در اواخر دوران خود پیشگامان تحول اقتصادی و فرهنگی گردیدند و مثل داوودخان برنامه‌های تهاجمی و بدون حمایت مردمی را روی دست گرفتند که منجر به آشوب شد.

حال اگر طالبان با این سیاست به‌ظاهر قومی از همان زاویه روستائی و مخالفت با شهرنشینی قدرت را برای مدت طولانی به دست گیرند، به احتمال زیاد همان قصه تکرار خواهد شد. طالبان قدرت‌مند در چنگ شهرنشینان به تدریج آب خواهند شد و از خاستگاه روستائی خود بعد از تنها یک نسل خواهند برید. پسران ملا یعقوب، زن پنجشیری یا کابلی خواهند گرفت، دختران‌شان کابلی و مزاری شوهر خواهند کرد و در نسل بعد دوباره الیتی در قدرت خواهد ماند که فارسی صحبت کنند اما مورد اعتماد فارسی‌زبان‌ها نباشند، ریشه پشتونی داشته باشند اما از ارتباط ارگانیک با جامعه پشتون محروم باشند. طالبان نمی‌توانند برای مدت طولانی علیه نظام، زندگی شهری، تحصیل و کار بایستند و ارزش‌های روستائی را تکیه‌گاه حاکمیت خود سازند. قوم‌گرایان پشتونی که به طالبان چشم امید بسته‌اند به تدریج متوجه خواهند شد که راه خطا رفته اند و روایت ضدمدنی و ضددمکراتیک ضعیف‌تر از کلوخ است. وقتی بخواهید دوباره به‌جامعه پشتون برگردید در فاصله بین خود و مردم با دریای خروشان‌ی روبه‌رو خواهید شد که هیچ پل ندارد.

ایستادن در برابر طالبان و هر نیروئی که می‌خواهد چینه، شتر، ملا، لنگی، قطی نسوار، چپک، پیراهن تنبان، ریش، زن‌ستیزی و خشونت را نماد پشتون تبلیغ کند و از آن طریق با نکتائی‌داران، پتلون‌پوشان، کمپیوترکاران، موسیقی‌دانان، تحصیل‌یافتگان و دمکراتان مبارزه نماید، وظیفه همه است، به خصوص وظیفه پشتون‌هایی که قوم خود را دوست دارند. با طالبان به چاه خواهیم افتاد. تداوم عقب‌ماندگی در هیچ جای وطن به‌سود ما نیست. کنج کنج افغانستان باید به روی روشنائی تعلیم باز شود. سراسر افغانستان باید به روی ارزش‌های شهری گشوده گردد. آزادی باید به هر دره و ده افغانستان راه یابد. باید گلم چینه، نسوار، لنگی، شتر و دره را از سیاست جمع کنیم.